

دو شعر از: نیلوفر فرجی*

آتشفشان مرده

از شکم شروع می‌شود

بعد به تمام استخوان‌ها سرایت می‌کند

در پوست می‌پیچد

به دو چشم سیاه قهوه‌ای یف کرده

شیشه دانه‌های کوچک گرم خیس

آتشفشان مرده‌ای

که بی‌گاه بیدار می‌شود از خوابی طولانی

از اعماق می‌سوزاند و بیرون می‌ریزد

گریزی نیست

از این جزیره محصور

از این زخمی که باز می‌شود

باید ماند

تا روز تمام شود

او که شبیه درد می‌آید و

شبیه درد می‌رود

و هیچ خوب نمی‌شود

از تمام آن عشق

تنها طعم گسی در دهانت می‌نشیند

که برای سال‌ها عوض نمی‌شود

از تمام آن روزها

تنها خراشی از خاطرات محو

در قلبت تکان می‌خورد

گاه عمیق می‌شود

گاه می‌پژمرد

گاه بیدار می‌شود

خودش را به دیواره‌ها می‌کوبد

و هیچ خوب نمی‌شود

* به نقل از عروسک سخنگو– شماره ۲۸۵– ۲۸۶

ناگاه برف باران

«سرایش شعر» کاری است هنری با تمام زیر و بم‌های آن. از اینجاست که اختلاف آن با نوشتار حادث می‌شود. نثر بیشتر کاری است ادبی و کمتر هنری.

در کتاب «ناگاه برف باران» پافشاری من بر وجه هنری چکامه‌سرایی دانش نینان با تکنیک‌های مدرن است. رسوب دانش در حوزه‌های مختلف علوم در اشعار دیده خواهد شد و این خواست بی‌اجبار من بود؛ بدون آنکه عمدی در ارائه باشد.

سرشناسه: خیرآبادی، فرشید، ۱۳۵۸

عنوان/ نام پدیدآور: ناکاه برف باران/ فرشید خیرآبادی

مشخصات ناشر: کرج: فرشید خیرآبادی، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۷۱ ص. کتاب الکترونیک شابک ‎(ISBN): ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۹۵۱۱-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی– قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ن ۴۱۷/۲ PIR ۸۰۴۰

رده‌بندی دیوبنی: ۱/۶۲ فا ۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۱۴۰۱۶۸

یادداشت: کتاب شعر، سبک آزاد، شعری با رویکرد هنر

آزاد

حق استفاده از تمامی آثار محدود و مستلزم اجازه کتبی

از پدیدآورنده است.

جوان

● دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۹۴ ● ۳۰ذی‌القعدة ۱۴۳۶ ● Sep 14۰ 2015 ● سال بیستم ● شماره ۵۵۶۹ ●

سنگ

فرشید خیر آبادی



در خیابان هستم و راه می‌روم …
کسی آرام می‌ایستد تا من رد شوم، هیچ حرکتی نمی‌کند، انگار به یک باره میخکوب می‌شود و می‌میرد.
از این سوی خیابان به آن سو می‌روم. زنی تا مرا می‌بیند با عجله دور می‌شود. همچنان در راهم و به دست‌های از مردان ایستاده منتظر اتوبوس سرویس کارخانه نزدیک می‌شوم. می‌خواهم آرام از کنار آنان رد شوم که سوت می‌زنند و فریاد می‌کشند، یکی از آنان به من سنگ می‌زند.
یا به فرار می‌گذارم تا زخمی‌ام نکرده‌اند.
آنان دور می‌شوم و تا خواصم جمع می‌شود می‌بینم در کوچ‌های هستم. کوچ‌های پهن که دو سویش را درختانی سرسبز پوشانده‌اند.
دختری دبستانی در خانه را می‌کشاید و چند گام به بیرون می‌چهد. مرا می‌بیند هراسان به درون خانه برمی‌گردد، در را محکم می‌بندد

- درخت دولا شده بود و از حوض آب می‌نوشید.
- روح هنگام صعود ترمزش برید و با آسمان تصادف کرد.
- سکه‌ی ماه را کف دست شب نهادم.
- اگر قلبم را کوک نکتم نبضم می‌ایستد.
- برای اینکه تا بهشت پیاده نرم وصیت کرده‌ام با انومیلم مرا به خاک بسپارند.
- برای اینکه مجازات سبک‌تر شود با دست مصنوعی‌ام جیب افراد را می‌زنم.
- در زمستان کفن پشمی می‌پوشم.
- ساعتم وقتی می‌خوابد خواب می‌نوشید.

<div><div> </div></div>	
آگهی مزایده	
دایره اجرای احکام حقوقی شعبه دوم دادگاه عمومی دادگستری داراب در نظر دارد به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۷۲/۹۳۰۲۱۸ یک دستگاه خودروی تیبیا به شماره ۳۴۴ د ۵۱ ایران ۷۳ مدل ۱۳۹۰ متعلق به آقای مهدی انصاری شیریزی فرزند نورمحمد را با قیمت پایه ۱۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال به مزایده گذارد لذا مراتب آگهی تا هر کس مایل به شرکت در مزایده باشد در تاریخ ۹۴/۷/۶ رأس ساعت ۱۰ صبح در محل اجرای احکام دادگستری داراب حضور یابد. شروط مزایده ۱-مزایده در حضور نماینده محترم دادستان از قیمت کارشناسی شروع و شخص یا اشخاصی برنده مزایده اعلام می‌شوند که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند. ۲-هر کس مایل به خرید باشد می‌تواند ظرف پنج روز قبل از تاریخ مزایده جهت اطلاعات بیشتر به اجرای احکام حقوقی مراجعه نماید. ۳-ده درصد قیمت آن از شخص برنده نقدا دریافت می‌گردد مابقی پس از ۲۰ روز از تاریخ مزایده بایست پرداخت گردد در صورتی که برنده مزایده از پرداخت قیمت یا برداشتن مورد مزایده خودداری نماید مبلغ مذکور (ده درصد) پس از کسر هزینه‌های اجرایی به نفع دولت ضبط خواهد شد. ۴۶/ م الف	
رئیس شعبه دوم اجرای احکام حقوقی داراب مهدی پیرسلامی	

<div><div> </div></div>	
آگهی احضار مهم	
در پرونده شماره ۰۳۰۹-۷۸۰۰۳-۹۴۰۹۹۸۰۷ شعبه ۵ بازپرسی دادسرای ناحیه یک شیراز مهتم سید محمدحسین موسوی فرزند حمید به موجب شکایت محمدمهدی فروزش به اتهام کلاهبرداری تحت تعقیب قرار دارد با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ حضاریه و عدم دسترسی به او، طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آگهی و مهتم ظرف مهلت یک ماه احضار می‌شود پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد. ۱۴۸۷۵/ م الف	
بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه یک شیراز داریوش خشتی	

<div><div> </div></div>	
آگهی احضار مهم از طریق دادسرا	
نظر به اینکه یعقوب بازپار فرزند محمد اهل روستای گیس از توابع حاجی‌باد هرمزگان به اتهام مشارکت در حمل و مالکیت ۷۹ کیلوگرم تریاک از طرف این دادسرا تحت تعقیب می‌باشد و ابلاغ اوراق احضاریه به واسطه نامعلوم بودن محل اقامت مهتم میسر نگردیده بدینوسیله در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مراتب به نامبرده ابلاغ تا در شعبه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان داراب به منظور پاسخگویی و دفاع از اتهام انتسابی حاضر گردد و در صورت عدم حضور پس از یکماه از تاریخ انتشار این آگهی اقدام قانونی معمول و به موجب مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون فوق‌الاشعار تصمیم غیابی اتخاذ می‌گردد… ۱۴۸۷۳/ م الف	
بازپرس دادسرای عمومی و انقلاب داراب جابر نظافت	

وارد پارک می‌شوم و کمی گشت می‌زنم. زخمم را لیس می‌زنم تا آرام شود. درخت بید زیبایی چتر گشوده و در باد گیسوانش را تاب می‌دهد. از این سو به آن سو بوی خوش غلف فضا را آکنده است. زیر چتر بید دو تن کنار هم ایستاده‌اند و در گوش هم حرف‌های بی‌سر و ته می‌زنند. می‌ایستم و سرم را بالا می‌گیرم و درخت بید و آن دو نفر را می‌نگرم. جوانی حال خوبی دارد… پسر متوجه نگاه و حضور من می‌شود، به من نگاه می‌کند. لحظه‌ای بعد خم می‌شود و دنبال چیزی می‌گردد، سپس راست می‌شود و چیز را به سوی من پرت می‌کند؛ به من نمی‌خورد. باز خم و راست می‌شود و به سوی من پرت می‌کند، به شانه‌ام می‌خورد. آخ! تا مغز استخوانم تیر می‌کشد. انگار تمام وجودم به یکباره خرد می‌شود. درد تمام تن را پر می‌کند، از سر بدبختی زوزه‌ای می‌کشم و فرار می‌کنم. تا توان دارم می‌دوم. خون از شانه‌ام می‌ریزد. نمی‌دانم به کجا بروم. نمی‌دانم از دست چه کسی باید فرار کنم و چرا باید از همه سنگ بخورم. همچنان با تمام وجودم می‌دوم.

در پیش رویم زنی می‌دود، چاق است و هن‌هن‌کنان تلو تلو می‌خورد و چربی‌هایش را که روی هم لا خورده است تکان می‌دهد. کوتاه قد است و لباس‌هایش او را تا حد زمین پایین کشیده و پشت سر پسری که سنگ زد و شانه‌ام را خوئین کرد. به عقب نمی‌توانم بازگردم پس به سمت زن می‌دوم… حتما او هم می‌خواهد مرا سنگ بزند. همچنان می‌دوم، زن تازه مرا دیده است، دیده و ترسیده است. اگر به او حمله نکنم مرا سنگ خواهد زد. خون تمم از شانه‌ام به زمین می‌چکد. زن خم می‌شود تا سنگ بردارد. تندتر می‌دوم نزدیک می‌شوم و او را گاز می‌گیرم. مزه‌ی خون را دور دندان‌هایم حس می‌کنم و آرام می‌شوم. سگ‌ها سنگ نمی‌زنند.

- * در تلمبه امشی اشک ریختم و با آن غم را کشتم.**
- * زندگی‌م را بین شب و روز قسمت کردم.**
- * وقتی پرنده را از قفس «منها» می‌کنم اشک شادی در چشمانم «جمع» می‌شود.**
- * وقتی خشکسالی در باغ را می‌کوفت درخت‌ها مثل «بید» می‌لرزیدند.**
- * اگر آسمان مرمت نشود بقیه سرمایهک ستارگانش هم فرو خواهد ریخت.**
- * برای گریه تحقیرآمیز است که با «مرگ موش» خودکشی کند.**

<div><div> </div></div>	
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رأی شماره ۰۱۱۸۵۸-۳۱۱۰-۱۳۹۴ مورخ ۹۴/۵/۲۹ هیأت سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی عبدالرسول کوه‌ن فرزند امیر به شماره شناسنامه ۳۳ صادره از شیراز در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۱۷۹/۹۰ مترمربع پلاک ۱۱۲۸۲ فرعی از ۲۱۳۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۳۹ فرعی از ۲۱۳۹ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی جمال امامی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۶/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۷/۷	
۱۵۰۶۷/م الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز رضا کنعانی	

<div><div> </div></div>	
آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی	
بدینوسیله به صمد اوزمژ که به موجب دادنامه شماره ۰۳۰۵۳-۹۴۰۹۹۷۷۳۱۰۳۰۰۵۳ در پرونده کلاسه ۹۳۰۸۶۲ محکوم به پرداخت مبلغ ۴۷۰۰۰۰۰۰ ریال به انضمام ۱۴۱۰۰۰ تومان هزینه دادرسی و خسارت تأخیر تادیه از تاریخ چک در حق خواهان محکوم گردید است ابلاغ می‌شود چنانچه نسبت به حکم صادره اعتراض دارد ظرف بیست روز وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به او، طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آگهی و مهتم ظرف مهلت یک ماه احضار می‌شود پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد. ۱۴۸۳/م الف	
مدیر دفتر شعبه سوم حقوقی دادگستری فسا هادی روشندل	

<div><div> </div></div>	
آگهی احضار مهم	
در پرونده شماره ۰۵۹۱-۲۸۰۰۷-۹۹۸۰۷ شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه یک شیراز مریم رجب‌نژادبان شیرازی به موجب شکایت الهام کیوانی به اتهام عدم رعایت نظامات دولتی منجر به ایراد صدمه بدنی غیرعمدی تحت تعقیب قرار دارد با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به او، طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آگهی و مهتم ظرف مهلت یک ماه احضار می‌شود پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد. ۱۴۸۶۸/ م الف	
بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه یک شیراز داریوش خشتی	

<div><div> </div></div>	
آگهی	
مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه انقلاب شیراز استواری	

باد کرده در کفن شن‌ها

<div><div> </div></div>	
حسین باقری	
عوض انجمن ادبی «باران» شهر وحدتیه	
امروز نهم اسفند است	
بر کناره‌های ساحل «جفره»*	
ماهی باد کرده	
در کفن شن‌ها	
بادها	
می‌دوند بر نش ماهی	
موج، ماهیان عزادار را عقب می‌راند	
ساحل، رنگ‌پریده	
دریا، استفراغ‌گون	
و قایق‌ها روی آب زانو زده‌اند	
نه می‌روند و نه می‌آیند	
تو از من بیرون رفته‌ای	
و در تمام جفره	
دیگر کسی مرا نمی‌شناسد	
در مرز میان ساحل و دریا	
روی نقطه‌چین شن‌ها	
نگاهم خیره بر رقص مات قایق‌ها	
و روحم در تسخیر یک شعر بلند است	
در هجوم واژه‌ها	
هر واژه موجی است	
و هر موج اعتراضی است	
فرومانده در خود، سال‌ها	
گسپختگی خاطره‌ها	
هجاها را در موج محو می‌کند	
فضاها گیج می‌خورند	
صدای مردم از دور	
پچ‌پچ هوای خیس و شور	
و دریا ضرب‌آهنگی یکسان	
خاطره می‌یابد بر من	
دچار خلسه شده‌ام	
سایه‌ام ریخته بر دریا	
دریا به خود می‌پیچد	
می‌رود و می‌آید	
دهانش کف می‌کند	
روی ساحل می‌افتد	
سر به سنگ می‌کوبد	
و می‌رود از حال	
امروز چندم اسفند است؟	
جفره کجای نیداست؟	
اینجا چقدر آشناست!؟	
من روزی اینجا نودهام آیا!؟	
کسی از من بیرون رفته است؟	
چیزی دارد از من بیرون می‌رود!؟	
ماهی شده‌ام	
بادکرده در کفن شن‌ها	
موج، ماهیان عزادار را عقب می‌راند	
و قایق‌ها نشسته بر موج، مات	
فرا می‌روند و فرو می‌افتند!	
* محله‌ای بر ساحل خلیج فارس (بوشهر)	

<div><div> </div></div>	
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
آگهی موضوع ماده ۴ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رأی شماره ۰۱۵۳۳۹-۳۱۱۰۰-۱۳۹۴ مورخ ۹۴/۶/۱۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمدباقر اصفحاه فرزند عباس به شماره شناسنامه ۷۶۶۶۸ صادره از کارزون در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۳۹۱/۵۵ مترمربع پلاک ۵۱ فرعی از ۱۱۲۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۱۲۲ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز حصه مشائی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۶/۲۳ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۴/۷/۷	
۱۵۰۶۷/م الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شیراز رضا کنعانی	

<div><div> </div></div>	
آگهی	
سیما ساعدی چون جنابعلی به موجب دادنامه شماره ۱/۹۴/۹۲۵ مورخ ۹۴/۶/۱۰ صادره از شعبه مجتمع شماره یک شورای حل اختلاف محکوم به انتقال سند خودرو ولنت پیکان تیپ ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۷ رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۳۴۸ از ۷۵ ایران ۶۳ گردیده‌اید لذا از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز نسبت به اجرای حکم در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۴۴ شیراز واقع در میدان اطلسسی بلوار هجرت نبش کوچه یک مراجعه نمایید در غیر این صورت پس از انقضای مهلت طبق مقررات اقدام خواهد شد. ۱۴۸۷۴/ م الف	
سردفتر اسناد رسمی شماره ۲۴۴ شیراز ابراهیم جعفری	

<div><div> </div></div>	
آگهی	
پیرو آگهی منتشره در جراید در خصوص تجدیدنظرخواهی گل‌شکر تابنده خلاری فرزند نوراله به طرفیت ۱- داریوش کنعانی ۲- بیات کنعانی (هر دو متواری و مجبورالمکان) نسبت به دادنامه شماره ۰۵۴۲-۹۴۰۹۹۷۷۱۱۸۲۰۰۵۴۲ صادره از شعبه دوم دادگاه انقلاب شیراز حسب ماده ۳۴۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی چنانچه پاسخی دارید ظرف مهلت ده روز پس از انتشار این آگهی به آدرس شیراز بلوار جدید قرآن مجتمع دادگاه‌های انقلاب شیراز به دفتر شعبه دوم دادگاه انقلاب شیراز تحویل دهید در غیر این صورت پرونده به همین کیفیت به دادگاه‌های تجدیدنظر استان ارسال خواهد شد. ۱۴۸۶۹/ م الف	
مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه انقلاب شیراز استواری	